



می کردم و هر بار یک چیزی از آینه سازی یاد می گرفتم. حتی بعضی وقت ها به بهانه های مختلفی مثل پول گرفتن و... می رفتم به مغازه شان تا کارشان را ببینم.»

اما آینه سازی به قول معروف یک فوت کوزه گری دارد که صاحبانش آن را به هر کسی یاد نمی دهند. حالامی خواهد آن شخص خویش و قومشان باشد یا همکاری که سال ها برایشان قاب ساخته است؛ «همه کارهای آینه سازی یک طرف، ترکیب جیوه اش طرف دیگر. اینکه جیوه و چند مایع دیگر با چه میزانی و در صدی باید با هم ترکیب شوند، تا شیشه به آینه تبدیل شود، جزو اسرار آینه سازها بود. همیشه این کار را در پستوی مغازه و خارج از دید مشتری انجام می دادند تا رازشان فاش نشود. بیشتر هم همسرشان مسئولیت انجام این کار را به عهده داشت. من هر چه خودم را به این دروآن دردم نتوانستم سر از کارشان در بیاورم. ذره ای از علم و اطلاعاتشان را بروز نمی دادند که مواد دست زیاد شود و کاروکاسبی شان از رونق بیفتد. خودم دست به کار شدم و آن قدر مواد را با هم ترکیب کردم که بالاخره به فرمول آن ها رسیدم و اولین آینه هایم را ساختم.»

۴ به آینه سازهای مشهد بر خورد

اوستا حسن قاب ساز می شود چهارمین نفری که در مشهد آینه سازی بلد است. موضوعی که خیلی به مذاق سه آینه ساز دیگر خوش نمی آید. می گوید: اولین آینه هایی را که ساختم قاب کردم و بردم پیش اوستا مهدی صندوق ساز. آینه سازها خودشان کمتر جنسشان را می فروختند. بیشتر آینه ها را به حاج مهدی امانت می دادند تا وقتی که خانواده ها برای خرید صندوق جهاز عروس می آیند، آینه هم بخرند. به اوستا مهدی گفتم که شما آینه های امانی را چند می فروشی؟ گفت ۱۰ تومان. گفتم اگر تومنی سه قران کم کنم، این کار را برای من می کنی؟ گفت آینه هایم را بیاور تا بفروشم. آینه سازهایی که با آن ها کار می کردم، وقتی فهمیدند من هم وارد حرفه آن ها شدم، ناراحت شدند و دیگر از من قاب نخریدند.

رافتی ادامه می دهد: قاب سازی ام را به آینه سازی تبدیل کردم. کارگاه هم درست چند قدمی بالاتر از گنبد خشتی بود. آنجا خیلی فروش نداشتم؛ برای همین آمدم بالاخیابان، کنار مدرسه نواب یک مغازه خریدم و بساط آینه فروشی را آنجا علم کردم. کارم حساسی گرفت و بعد مدتی روبه روی همان بازار جایی را برای انبار و کارگاه اجاره کردم. فروش آینه از آن هایی که قبلاً با هم کار می کردیم، بیشتر بود. سال ۱۳۵۴ که ولیان به جان دور حرم افتاد و بازارهای قدیمی را خراب کرد، من هم مجبور شدم نقل مکان کنم. مغازه فعلی ام، در آن زمان انبار من بود، از آن سال به بعد شد آینه فروشی.

وقتی می پرسیم که چطور شد کار و کسب شما خیلی زود رونق گرفت و شناخته شدید، با خنده تعریف می کند: قیمت های من دست کم

دو سه تومان از بقیه کم تر بود. آن زمان هم طوری بود که مردم برای خرید سیب زمینی از چند جا قیمت می گرفتند که ببینند کجا ارزان تر است، چه برسد به آینه. روی همین اخلاق مردم دست گذاشتم. مثلاً اگر فلانی آینه ای را ۱۰ تومان می فروخت، مال من هشت تومان بود. همین طور دهان به دهان چرخید که مغازه را فتنی از بقیه ارزان تر می فروشد.

۴ بلژیکی ها بازار را متحول کردند

رافتی می گوید: شکل و شمایل آینه هایی که ۶۰ سال پیش می ساختند، خیلی ساده تر از این حرف ها بوده و زلم زیموهای امروزی را نداشته است. بعد ادامه می دهد: آینه هایی که می ساختیم یا مستطیل بود یا مربع. خیلی که پیشرفت کردیم توانستیم دایره و بیضی هم بسازیم. اگر کسی که آینه را می خرید، وضع مالی اش خوب بود، یک قاب چوبی طرح دار یا ساده سفارش می داد که برایش بسازند، وگرنه خودمان یک قاب حلبی درست می کردیم و دور آینه می انداختیم.

اما در دهه ۳۰ چشم بازار به آینه های طرح و شکل داری روشن می شود که نمونه شان را تا به حال کسی ندیده است؛ «اولین آینه های طرح داری که به مشهد آمد، بلژیکی بودند. این که می گویم طرح دار فکر نکنید که چیز عجیب و غریبی بودند. این آینه ها بالای سرشان حالت ایروبی ماندنی داشت. با دستگاه های ابتدایی که ما داشتیم، امکان نداشت بتوانیم چنین شکلی به شیشه بدهیم. قیمتشان هم آن قدر زیاد بود که هر کسی قدرت خریدش را نداشت.»

۴ آینه و شمعدان ها را فقط تهرانی ها می ساختند

حرف از آینه های شکل دار بلژیکی که می شود، ناخودآگاه پای تهرانی ها و آینه شمعدان های خاصی که تولید می کردند هم به حرف مان باز می شود. اوستا حسن هنوز یک نمونه از آن ها را در مغازه اش دارد. چهل سالی از عمر این آینه و شمعدان گذشته و بعید است لنگه اش پیدا شود؛ «در مشهد اگر کسی آینه و شمعدان می خواست، باید صبر می کرد تا از تهران سفارش بدهیم. چون نمی توانستیم کارهایی را که قاب فلزی داشتند، تولید کنیم. این آینه و شمعدان های تهرانی را بیشتر خانواده های اعیان و پول دار مشهدی می خریدند؛ چون خیلی گران بود. موقعی هم که قاب آینه اش، عیب و ایرادی پیدا می کرد یا می شکست، ما مجبور بودیم آن را به تهران ببریم تا تعمیرش کنند. حتی امکان تعمیرش را نداشتیم.» رفت و آمد هر از چندگاه آینه ساز قدیمی محله هاشمی نژاد به تهران او را به این صرافت می اندازد که برای اولین بار در مشهد دست به تولید این سبک از قاب ها برای آینه بزند؛ «آدم نترسی بودم و هستم. برای همین هیچ وقت از تجربه کردن کار جدید نترسیدم. وقتی آینه ها را پیش اوستا کار تهرانی برای تعمیر می بردم، و سوسه شدم که من هم این سبک کار روی



قاب آینه را در مشهد انجام بدهم. هر دفعه که می رفتم با دقت به نوع کار کردن و دستگاه ها نگاه می کردم، تا اینکه چم و خم دستم آمد و شدم اولین کسی که در مشهد قاب پرزرق و برق فلزی برای آینه درست کرد. از حق نگذریم کارم به تمیزی و زیبایی تهرانی ها نبود. چون آن ها از برنج استفاده می کردند و من از آهن. تجربه شان هم چندین برابر من بود.»

۴ جعبه شیشه های روسی همیشه چندتایی اضافه داشت

بعد از بلژیکی ها و تهرانی ها که هر کدام سهمی در صنعت آینه سازی مشهد داشتند، نوبت به روس ها می رسد. گویا همسایه شمالی آن زمان همه بازار شیشه مشهد و حتی ایران را در دست داشته است. رافتی می گوید: شیشه هایی که برای ما می آوردند، متعلق به شوروی بود. در هیچ جای مشهد شیشه ای پیدا نمی کردید که مثلاً مال انگلیس یا جای دیگر باشد. از طرفی هیچ کارخانه شیشه سازی ای هم در ایران وجود نداشت که بتواند نیاز کشور را تأمین کند. اگر یک زمانی شوروی تصمیم می گرفت که دیگر به ایران صادر نکند، کل بازار شیشه و آینه می خوابید. این شیشه ها را که می آوردند، همگی در جعبه های چوبی پلمپ شده بود. بین شیشه ها هم به جای پوشال پنبه گذاشته بودند که در تکان های بارشتر آسیب نبیند. جالب اینجا بود که همیشه در جعبه های یکی دو تا شیشه بیشتر از تعدادی که روی آن نوشته شده بود، می گذاشتند. دلیلش را نفهمیدیم. او ادامه می دهد: اندازه شیشه ها هم از یک حد خاصی بیشتر نبود. بزرگ ترین جام شیشه ای که از شوروی می آوردند ۶۰ در ۶۰ سانتی متر بود. برای همین اندازه آینه هایی که ما می ساختیم هم محدود بود. اما در مقطعی آینه های بزرگ ۱۵۰ در ۱۵۰ از بلژیک وارد شد که همه از این اندازه تعجب کردند. کسی هم چنین چیزی را نمی خرید. شاید از هر ۱۰۰ خانه در مشهد یکی از این آینه ها داشت. آن ها هم احتمالاً یا خارجی های ساکن در اینجا بودند یا اعیان شهر.

۴ آینه سازی هیچ وقت قدیمی نمی شود

بازار آینه فروشی همیشه داغ است. این را اوستا حسن رافتی می گوید و صحبتش را این طور تکمیل می کند که «آینه فروشی هیچ وقت قدیمی نمی شود. آینه چیزی است که مردم خواه ناخواه با آن درگیر هستند و به آن نیاز دارند. مگر می شود که برای جهیزیه عروس آینه و شمعدان نخرند. شکر خدا الان آن هایی که در بورس آینه فروشی مشهد مشغولند، کار و کاسبی شان خوب است.»

اولین آینه های طرح داری که به مشهد آمد، بلژیکی بودند